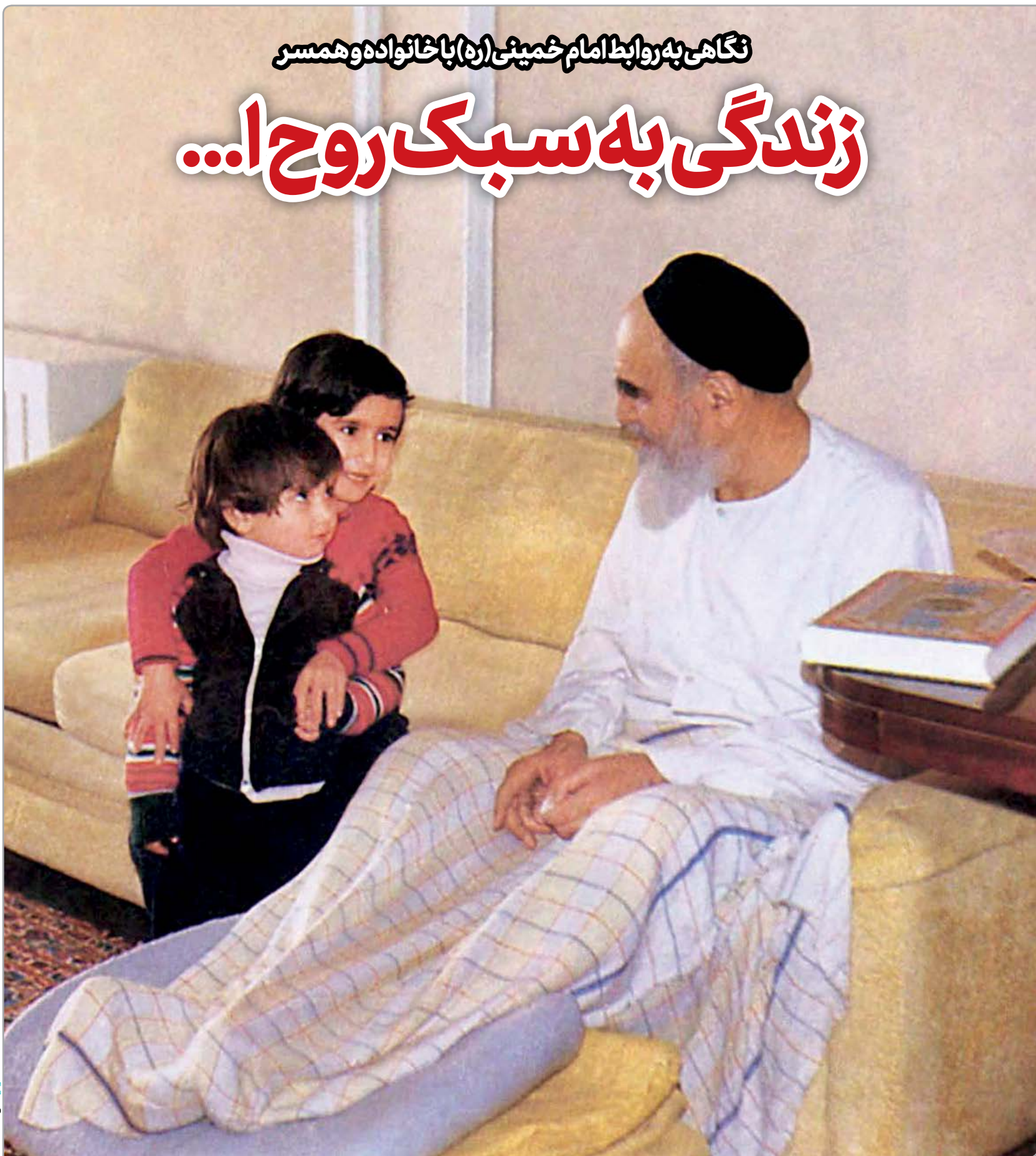




نگاهی به روابط امام خمینی (ره) با خانواده و همسر

زندگی به سبک روح...!



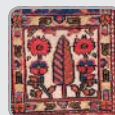
طرح: حوزه هنری

خاطره‌های کودکی
شغل بزرگسالی



اگر خواستید فرش بخريد اين طرح‌ها را يادتان باشد

هر گره، يك ايران



حکمت

امام علی (ع)

خطبه ۴۱ نهج البلاغه



«ای مردم آن کس که از برادرش اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را مشاهده کند، باید به سخنانی که این و آن درباره او می‌گویند گوش فرانههد. آگاه باشید گاهی تیرانداز تیرش به خطا می‌رود و حدس و گمان مردم گاهی نادرست است. سخن باطل فراوان گفته می‌شود، ولی سخن‌های باطل نابود خواهد شد و خداوند شنوا و گواه است. بدانید بین حق و باطل بیش از چهار انگشت فاصله نیست».

یادداشت

امام، کاریزما نداشت!



احسان رستگار

معاون ضمام

معمولاً، توصیفاتشان این‌گونه آغاز می‌شود: «امام، به عنوان یک شخصیت کاریزماتیک، همه جذبش می‌شدند» یا «از آن جایی که امام کاریزمای بالایی داشت، کسی جرأت نداشت با ایشان مخالفت کند.» و اختلاف نظر مبنایی، از همین جا آغاز می‌شود و مسأله‌ی این نگاره، این خواهد بود که «آیا اصلاً حضرت امام خمینی (ره)، به پرجاذبه (یا به قول فرنگی‌ها کاریزماتیک) بودن، فکر می‌کرده؟ اصلاً برایش اهمیتی داشته که در منظر دیگران، پرجاذبه و با ابهت به نظر برسد؟ این سؤال، شاید در ظاهر، از اهمیت چشم‌گیری برخوردار نباشد، ولی اتفاقاً بسیار مهم است، چرا که زاویه‌ای است که منظر ما به امام و امام به خودش را، مشخص می‌کند. امام، جذاب بود و تماشایی، پرجاذبه بودن و میخکوب‌کننده، اما، او نه خواسته بود چنین شود و نه برایش مهم بود. هرگز مثل دیگر سیاست‌مداران، سعی و تقلایی نکرده بود برای این که سیطره و احاطه پیدا کند بر دیگران، چه با زبان بدن و چه با کلام، چون اصلاً او نخواست به سیاست‌مدار شود. امام، شده بود، آنچه که شده بود. صیرورتی را که صلاح و حق می‌دانست، طی کرده بود و دیگر برایش مهم نبود که محبوب است یا منفور، جذاب است یا دافع، حاکم است یا محکوم؛ او، تمام جسم و روحش را بسیج کرده بود تا یک مسلمان مسلم باشد. یک تسلیم واقعی رضای خداوند که حتی وقتی محمدرضا شاه ملعون، او را به خیال واهی خود، تبعید و در به در می‌کرد، امام می‌دانست که یک در مخصوص از درهای خاصه رحمت واسعه الهی، دارد به رویش گشوده می‌شود. ما وقتی سید روح ... موسوی خمینی را می‌بینیم، معمولاً، ناخواسته در اکثر قریب به اتفاق مواقع، فقط، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران را می‌بینیم - که قطعاً دستاوردی است بی‌نظیر - اما غافلیم که امام، اگر در بیست سالگی، آنی که بود، نمی‌بود و در سی سالگی، چهل، پنجاه، شصت سالگی، در هفتاد و شش سالگی، امداد غیبی به کمکش نمی‌آمد تا بتواند نهضت انقلاب را، به پیروزی برساند. محبوب قلوب و امام دل‌ها بود چون خدا خواسته بود به وعده‌اش یعنی «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِثْ أَقْدَامَكُمْ» را محقق کند، اما همین امام، بارها گفته بود که اگر کل دنیا با او مخالف باشند و او، به حقانیت عمل یا راهی ایمان داشته باشد، لحظه‌ای شک و درنگ در درستی و انجام آن نخواهد کرد. امام، اهل یقین بود و محاسبه‌گر به معنای سیاسی و متداولش نبود، جز حساب‌رسی از خود، در جهت تام و تمام عمل به دستورات خداوند و دینش. امام امام شد، از روزی که خود را در نظر گرفت، جز برای خدا. و این واقعیت، برای بسیاری از ما، ناگوار است که بپذیریم، امام، تفاوتش با اکثر ما، در جهان‌بینی‌اش بود، نه در هوشش؛ در اهل یقین بودنش بود، نه فقط در جهد و کوشش! امام، فقط می‌خواست سرباز خدا و اسلام باشد و خدا خواست که رهبر مسلمین جهان شود. او اگر امام مسلمانان انقلابی جهان هم نمی‌شد به خواسته‌اش رسیده بود، چرا که روح خدا، خواسته‌ای جز برای خدا بودن، نداشت و جلال و جبروت ایشان، برکتی بود که خداوند دمیده بود بر ایشان تا حق، غالب شود بر طاغوت، که اگر جز این بود، در شخصی که قدرتمندترین مسلمان روزگار خود بود، آن تواضع و خداترسی، مشهود نمی‌بود. کاش نصرتی که خدا به امام روح ... کرد را، با نگاه مادی‌گرایانه، نبینیم و تحلیل نکنیم.

گفت و گو با استاد مجید شاه حسینی

او خود را ندید و خدا او را دید!



دسترسی ندارند. لطف و عنایت خداست که در قالب نظام وکالت (در ساحت فقه این‌طور می‌گویند) یا نظام مرجعیت که جنسی از نیابت عام حضرت حجت را در دوران ظهور در جامعه جاری می‌کند و امکان هدایت را برای بشر از طریق این نظام برای بشر فراهم می‌کند. اگر ما آدم‌های باهوشی هستیم باید این برنامه را فهمیده باشیم و بدانیم کسی که خودش را در معرض برنامه الهی قرار می‌دهد، نصرت خاص می‌شود؛ امام این را فهمیده بود.

■ از آن جایی که امام جهان‌بینی‌اش مبتنی بر اعتقاد و یقین بوده، در معرض برکات این جهان‌بینی قرار می‌گیرد؟

بله. در معرض نصرت خاصه الهی قرار می‌گیرد. اگر در دوران غیبت آسمان را بری فرض کنیم، ایشان دقیقاً می‌دانسته خورشید کجای این آسمان قرار گرفته است. مسیر تابش نور را می‌دانسته، ابرها را کنار زده و از آنجا نوری تابانده است و با این کار توانسته رشدی را برای مردم همراه خودش رقم بزند.

■ آدم‌هایی خیلی فراتر از مقلدانش.

دقیقاً! ایرانیان، شیعیان، مستضعفین جهان و همه گویی در مسیر فتوسنتز تراویده از این نور هدایت رشد کرده‌اند. جهان قبل از امام خمینی و جهان بعد از او فرسنگ‌ها فاصله دارد. کمتر مصلحی را در جهان معاصر می‌توانیم نام ببریم که به اندازه امام خمینی تاریخ زمان خود را تغییر داده باشد. با این حال، هرگز پیروزی انقلاب اسلامی را به خود نسبت نداد؛ آن را به خدا نسبت داد و گفت فقط به عنوان یک کارگزار الهی این برنامه را دیدم. رفت در مسیر قرار گرفت، نصرت شد، خدا اذن داد و انقلاب شد.

■ یعنی تواضع و اقتدار تواما!

بله این نگاه یعنی موقعیت‌شناسی امام در کنار تواضع، موجب شد تا متواضع‌ترین و در عین حال مقتدرترین رهبر باشد. جنس اقتدار امام از جنس تواضع بود. مصداق بارز اشداء علی الکفار و رحماء بینهم بود. مردم و مستضعفان، ایشان را مصداق بارز مهربانی و تواضع می‌دیدند

■ امامی که می‌شناسیم و امام افکار عمومی سال ۱۴۰۱، تا چه اندازه فرهنگی است؟ چقدر اجتماعی است؟ چقدر فیلسوف و حکیم است؟

علت این تصویرسازی ناقص چیست و چرا ما امام را معمولاً، خلاصه در قالب سیاسی ایشان می‌شناسیم؟

شناخت جامعه نسبت به شخصیت ایشان کامل نیست. شخصیت ذو ابعاد دارند. رهبر یک نهضت و انقلاب، حکیم و فیلسوف، شاعر، عارف و سیاستمدار با این همه طبیعی است هر کس از منظر خود، با دلایل و در حوزه علایق و فعالیت‌های خود ایشان را بشناسد. اما مهم این است که امام یک شخصیت است و همه این ابعاد را دارد و آدم‌های ذو ابعاد وقتی تصمیم می‌گیرند قاعدتاً با همه ابعاد وجودی تصمیم می‌گیرند. یعنی وقتی امام این همه معلومات را در وجود خود گرد آورده بود و وقتی تصمیمی گرفت یک هم‌افزایی معرفتی حاصل از همه این ابعاد در او شکل گرفت. این ابعاد فراوان تکمیل‌کننده یکدیگرند.

■ از امامی بفرمایید که هم شاعر بود و هم مرجع تقلیدی اعلم.

اگر امام به امور سیاسی و فقهی دقت دارد و در کنارش عارف و شاعر است، اینها با هم تلازم دارند. امام در کنارش در مردم‌شناسی هم ید طولایی دارد. به همین دلیل است که می‌گوید پیروان من یا در گهواره‌اند و یا هنوز به دنیا نیامده‌اند. یعنی من از آینده‌ای حرف می‌زنم که سربازانش بعداً خواهند آمد. یعنی برای آن دوره جهان را مدیریت می‌کنم. پس هم مردم‌شناس خوبی است و هم جامعه را خوب می‌شناسد. آینده‌شناس هم هست و ذو ابعاد بودن ایشان است که به او تأثیری فراتر از سایر مراجع دارد.

■ آیا همه اینها فقط به واسطه هوش امام بود؟

این همه را نه تنها به هوش و ذکاوت امام بلکه به امدادهای غیبی هم نسبت می‌دهیم. امام، تمام هوش و ذکاوتی که داشته را در معرض امداد الهی قرار داده است. همیشه خداوند همه لحظات تاریخ به بندگان خودش عنایت داشته است. برای کمال بشر هم انبیا را فرستاده و حالا دوران غیبت کبری است و مردم به امام معصوم خود



فرق دارد؛ موکب راه و موکب کنار راه فرق دارد. حتما هستند دشمنانی که با انقلاب اسلامی مخالفت کنند و سنگ بیندازند.

جریان تحریف داخلی و خارجی، هر دو هست. خدا در این مقطع اراده به اکمال دارد و تلاش جبهه شیطان به جایی نمی‌رسد.

■ **نکته پایانی و ناگفته‌ای اگر هست، بفرمایید.**

امام خمینی بنده متواضعی بود که هرگز منیتی نداشت و خود را ندید. خدا او را دید. آنقدر نزد خود کوچک بود که خدا بزرگش کرد. امیدوارم جوان‌ها درسی بگیرند و بدانند که مشهور شدن، ابتدای نزد ملائک و در مسیر خداست و بعد شهرت زمینی می‌آورد. امام مستحیل در حق شد و خدا هم او را برای مسیر برنامه‌هایش انتخاب کرد.



از منظر دلسوزانه، می‌گوید من تو را نصیحت می‌کنم، اما شاه مزدور بیگانگان است و نمی‌تواند در مسیر الهی قرار بگیرد. او امام را تبعید می‌کند. همان مسیری که برای مدرس هم پیش آمد. اما جالب است که برخلاف مدرس امام را حذف نکرده اما انتقام را از فرزند ارشد ایشان می‌گیرد. اما امام با شهادت فرزندشان هم با شهامت بزرگوارانه رفتار کرده و می‌گوید خدا به من هدیه داد. او در مسیر الهی است.

امام اواخر دهه ۴۰ گمنام‌ترین مرجع تقلید است بقیه رساله دارند و دفتر و شناخته شده‌اند اما امام که از همه گمنام‌تر است، با نصرت خداوند، خدا او را مشهورترین شخصیت سیاسی قرن کرد. با یک مقاله موهن که یکی از عوامل ساواک در روزنامه اطلاعات نوشت، با نام مستعار امام یک دفعه در مسیری وارد شد که به زعم بنده، او را به مشهورترین شخصیت قرن بیستم بدل کرد.

■ **ما از امام، به عنوان متحول‌کننده‌ترین شخصیت نه فقط سیاست‌مدار، بلکه رهبر مردمی یاد می‌کنیم و ابعاد مختلفی، بسیار فراتر از سیاست دارد، اما تحت تاثیر جریان تحریف، آسیب دیده و تصویر درستی از او ارائه نشده است.**

مشخص است. چون می‌خواهند دیگر کسانی مانند امام در مسیر الهی گام‌های بلند برندارند. مخالفان مسیر الهی این کارها را می‌کنند. می‌گویند شخصیت دیگری مثل امام نباید پیدا شود، اما معتقد نیستم که موفق شده‌اند. در آخر الزمان که یک روز و یک هفته و سال نبوده و می‌تواند چندین دهه باشد، کفار خیلی سعی می‌کنند نور... را فراموش کنند اما خدا اراده کرده آن را کامل کند و چنین می‌کند. آبرویی است که خداوند به ما عطا کرده و قرار است یکی از موکب‌های ظهور باشیم، ما در مسیر الهی هستیم. البته حتما هستند کسانی که در بیراهه‌ها و جاده‌های فرعی، موکب بزنند. اصالت با عدم اصالت

می‌دادند «مرگ بر مدرس!». مدرس می‌ایستد و می‌گوید: «مرگ بر خودتان! زنده باد مدرس!»

یک انسان این را ببیند می‌گوید وای مدرس چه انسان متکبری بوده اما این طور نیست، باید دید چقدر نظام‌مند بوده و چقدر خودش را در مسیر الهی دیده. او خود را نه، که مسیر را دیده. این جا زنده باد مدرس یعنی زنده باد برنامه‌ی الهی. و مرگ بر شما یعنی مرگ بر هر کسی که مقابل این جریان می‌ایستد. اگر این درک را از مدرس داشته باشیم، می‌فهمیم، اوست که با این درک می‌تواند جلوی استبداد رضاخانی بایستد. او برنامه خدا را می‌بیند و در واقع می‌گوید زنده باد برنامه خدا!

روزی رضا خان به مدرس می‌گوید:

«سید! تو از من چه می‌خواهی؟» و مدرس می‌گوید: «همان جانت را!»

امام هم با همین سبک، با پسر رضا خان حرف می‌زند. کی صحبت می‌کند؟ در درست‌ترین زمان ممکن که لایحه‌ی کاپیتولاسیون است و آحاد ایرانی‌ها تحقیر شده‌اند، اعتراض می‌کند و فریاد می‌زند. پس هوش اجتماعی امام این است که جایی سخن می‌گوید که حداکثر جامعه، ظرفیت پیوستن به برنامه‌ای الهی داشته باشد؛ خدا تو را عزیز می‌خواهد!

خدا می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُودِ وَزَكَّيْنَاهُمْ مِنْ ظُلُمَاتٍ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

خدا به بنی آدم کرامت داده؛ نمی‌گوید مسلمانان یا شیعیان یا مقلدان شخصی خاص! یعنی خداوند بنی آدم را کریم آفریده؛ چرا شاه آمده و این مردم را حقیر فرض کرده؟!

امام، با همان لحنی که مدرس با رضا خان حرف زده با محمدرضا حرف زده و می‌گوید:

«آقای شاه! به داد خودت برس!»

و کفار، ایشان را مصداق بارز اقتدار، سرکشی و مقاومت.

■ **هرگز برایش نام خودش مهم نبود و می‌گفت مهم این است که در برنامه الهی از من چه می‌ماند.**

این جمله شما مراد آن بیان امام می‌اندازد که اگر یک وقتی یک نظری داشتند که همه با ایشان مخالف بودند و ایشان معتقد بود که این نظر، نظر الهی و شرعی و درست است، می‌ایستاد و می‌گفت همه‌ی دنیا [هم] با من مخالف باشند، باشند.

و کسی اگر بخواهد این را در قالب رفتار فردی ببیند، مطمئناً از آن استبداد فردی استنباط کند اما این کاملاً غلط است.

و اگر کسی این را در مسیر برنامه الهی ببیند، حس می‌کند من موظفم در مسیر جناح خدا بایستم و خدا من را هدایت می‌کند.

■ **دورترین برداشت این است که امام تکبر دارد.**

بله از نام خود حاضر است بگذرد اما از مرام الهی نه. اما در شخصیت‌های معاصر از مرحوم شهید مدرس چند بار نام برده است.

سیاستمداران روحانی عصر مشروطیت کم نبودند؛ طباطبایی، بهبهانی، آخوند خراسانی، اما به مدرس ارادت دارند. چند نوبتی می‌گویند که من مجلس آن دوره را دیده بودم. مدرس که می‌آمد مجلس جور دیگری می‌شد. مدرس مرجع تقلید نبود اما انسان مصلحی بود که هم در عصر مشروطیت مقابل سلطه بیگانگان ایستاد و هم در عصر رضاخانی مقابل استبداد رأی رضا خان ایستاد. روزی بیرون مجلس تظاهراتی بوده. آدم‌هایی می‌آیند به نفع مدرس شعار می‌دهند. می‌گوید اگر همه این‌ها بگویند مرگ بر مدرس برای من فرقی نمی‌کند، اگر هم بگویند درود بر مدرس فرقی نمی‌کند.

■ **مثل همان جمله امام.**

بله امام هم در حسینیة جماران همین را می‌گویند. جای دیگری هم مخالفان مدرس علیه او شعار



شخصیت خانوادگی امام (ره) و رابطه ایشان با همسرشان به همین جا ختم نمی‌شود. یک نامه با این لحن زیبا و عاشقانه، در زمانه خود نشان از رابطه‌ای عمیق دارد

۶۶

به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)
نگاهی داریم به روابط میان ایشان با خانواده و همسر

فقیه عاشق

زینب زارع چهارمندان

روزنامه نگار

نوروز ۱۳۱۲ بود که امام (ره) راهی سفر حج شد. از همین سفر بود که از شهر بیروت در کشور لبنان نامه‌ای محبت‌آمیز و سرشار از دل‌تنگی برای

همسرش نوشت. نامه‌ای که خدیجه خانم ثقفی دوست نداشت کسی آن را بخواند، شاید از روی شرم و حیای زنانه‌اش اما تا همین امروز دست به دست شده و همه آن را شنیده و خوانده‌اند. انگار که آن نامه فقط یک نامه عاشقانه مردی در سفر به همسرش نیست، این نامه بخشی از شخصیت رهبر یک انقلاب است.

بخشی از تاریخی است که معمولا در کتاب‌های رسمی نوشته نمی‌شود. متن کامل نامه این است: «تصدقت شوم، الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زیبایی در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم، امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. حال من با هر شدتی باشد می‌گذرد؛ ولی به حمدا... تاکنون هرچه پیش آمد، خوش بوده و الان در شهر زیبای بیروت هستم. حقیقتا جای شما خالی است، فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراهم نیست که این منظره عالی به دل بچسبد.

در هر حال، امشب، شب دوم است که منتظر کشتی هستیم. از قرار معلوم و معروف، یک کشتی فردا حرکت می‌کند، ولی ماها که قدری دیر رسیدیم باید منتظر کشتی دیگر باشیم. عجالتا تکلیف معلوم نیست، امید است خداوند به عزت اجداد طاهرینم که همه حجاج را موفق کند به اتمام عمل. از این حیث قدری نگران هستیم، ولی از حیث مزاج بجمدا... به سلامت، بلکه مزاجم بجمدا... مستقیم‌تر و بهتر است. خیلی سفر خوبی است، جای شما خیلی خیلی خالی است... ایام عمر و عزت مستدام. تصدقت، قربانت؛ روح!...، فروردین ماه ۱۳۱۲ هجری شمسی.»

عاشقانه‌های یکی از بزرگ‌ترین رهبران جهان

باورش سخت است که این جملات، سطرهای نامه یکی از بزرگ‌ترین رهبران معاصر به همسر خود باشد. نامه‌ای که شاید بارها شنیده و خوانده باشید اما هر بار دیدن و خواندنش، لطف دیگری دارد. نظیر توصیفات ساده، زیبا و عاشقانه امام (ره)

خطاب به همسرشان را در کمتر نامه‌ای دیده‌ایم. عاشقانه‌ترین نامه‌ای که از یک فقیه، مجتهد، مرجع تقلید شیعه و رهبر ایران به جا مانده، نه تنها مورد توجه روحانیان و سیاستمداران قرار گرفته بلکه در میان روشنفکران و نویسندگان هم زبانزد است.

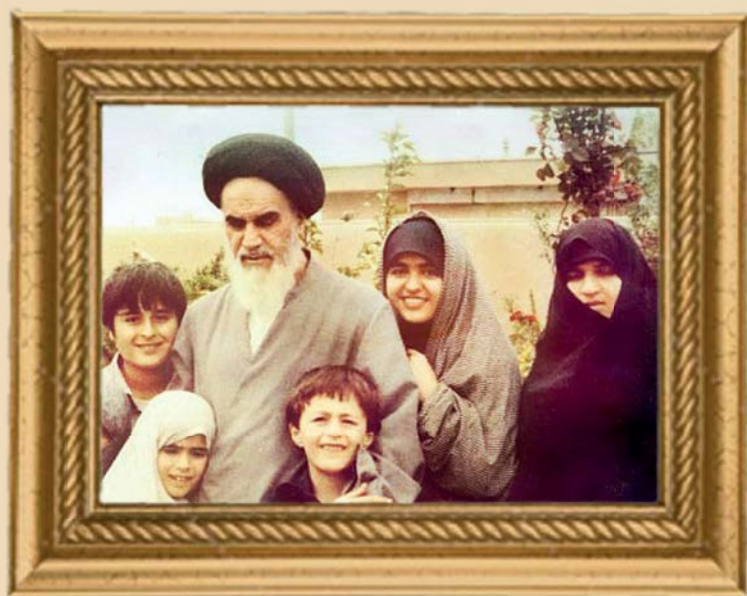
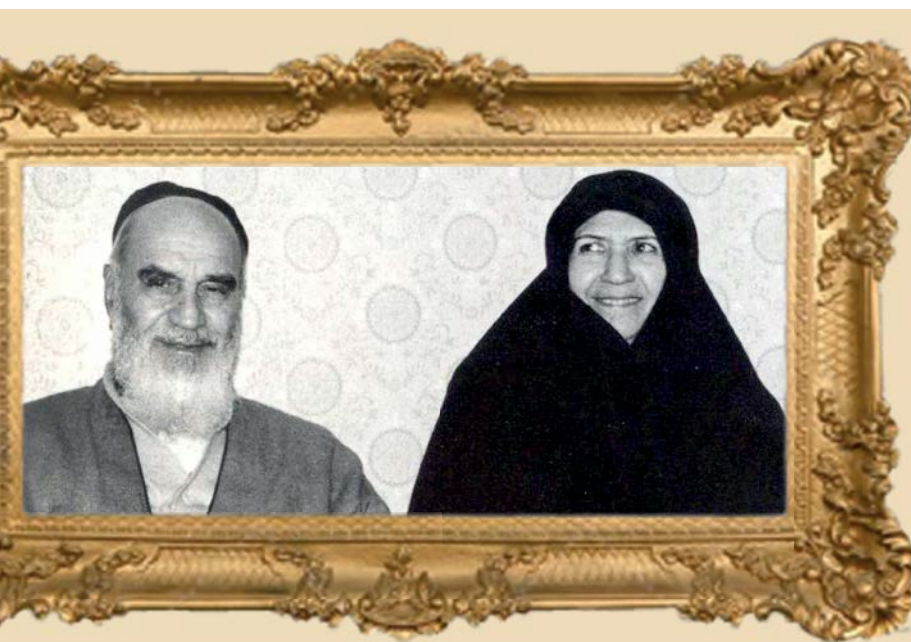
این نامه و نمونه‌های دیگر آن نشان می‌دهد که حتی اگر رهبر یک ملت هم هستید نباید از جاری کردن عشق و محبت در کلام‌تان برای خانواده غافل شوید چرا که اساس زندگی بر پایه محبت، اعتماد، احترام و تعامل بنا می‌شود. محبوب‌ترین بنا در همه ادیان به‌ویژه دین مبین اسلام بنای خانواده است. این بنای مقدس جایگاه مهر و محبت، پایگاه انس و کانون اصلی شکل‌گیری شخصیت انسان است. در همین نقطه است که انسان اوج می‌گیرد یا طعم تلخ سقوط را می‌چشد. امروز دغدغه بسیاری از افراد، حفظ خانواده است. خانواده‌ای که بیش از گذشته در معرض هجوم انواع مختلف مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته و قرار است علاوه بر پشت‌سر گذاشتن این توفان‌های متلاطم، هسته و ستون خود را حفظ کند. به توصیه بسیاری از کارشناسان عشق و مهر و تبلور آن در کلام، همان اکسیر نجات‌بخش خانواده‌هاست.

محبت در کلام تنها به رابطه زن و شوهر خلاصه نمی‌شود، عشق بین والدین و فرزندان و رابطه دوستانه بین فرزندان استحکام نهاد خانواده را چند برابر می‌کند.

از سویی دیگر، محبت و عشق فقط یک احساس، یک واکنش هیجانی، خرید یک هدیه یا یک نگاه پرمعنا نیست. البته همه اینها می‌تواند نشانه‌هایی از رفتار محبت‌آمیز باشد اما محبت یک مرام تربیتی و شیوه زندگی است و به تمرین و یادگیری مهارت و اصول اولیه نیاز دارد. مرد و زن هم ندارد. البته اکثر مردان اعتقاد دارند که عشق باید در عمل نمود داشته باشد و نه در کلام اما حقیقت این است که تاثیر محبت کلامی در بهبود یک رابطه به قدری زیاد است که می‌تواند مانند بادبان، کشتی گرفتار شده را به ساحل برساند.

مهربانی با بچه‌ها

شخصیت خانوادگی امام (ره) و رابطه ایشان با همسرشان به همین جا ختم نمی‌شود. یک نامه با این لحن زیبا و عاشقانه، اگر چه در زمانه خود نشان از رابطه‌ای عمیق دارد اما در روزگاری که بسیاری از



می‌خوردند امام یک ساعت و نیم سر سفره نشسته بودند تا خانم بیاید و غذا نخورده بودند. هیچ‌گاه امام (ره) از خانم نخواستند که فلان چیز را برایشان بیاورند؛ آب، چای و....

احترام به همسر

همسر امام (ره) خدیجه خانم هم خاطراتی از همین دست فراوان دارد و می‌گوید: «حضرت امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و خیلی اهمیت می‌دادند. هیچ حرف بد یا زشتی به من نمی‌زدند. امام (ره) حتی در اوج عصیانیت هرگز بی‌احترامی و اسائه ادب نمی‌کردند. همیشه در اتاق، جای بهتر را به من تعارف می‌کردند و تا من نمی‌آمدم سر سفره، خوردن غذا را شروع نمی‌کردند. حتی حاضر نبودند که من در خانه کار کنم. همیشه به من می‌گفتند: جارو نکن. اگر می‌خواستیم لب حوض روستی بچه را بشویم می‌آمدند و می‌گفتند: «بلند شو، تو نباید بشویی.» امام (ره) حتی در مسائل شخصی من دخالت نمی‌کرد و درباره لباس و رفت‌وآمدها نظر نمی‌داد.....»

مذهبی‌ها صرف تعلق قلبی و وفاداری را برای زندگی مشترک کافی می‌دانند، امام (ره) به ما یاد می‌دهد که چقدر ارزش و اهمیت کلام عاشقانه زیاد است. اصطلاحات امام (ره) و این که چند بار جای همسر خود را نزد خود خالی و برای او ابراز دل‌تنگی می‌کنند و از احساسات عمیق قلبی خود می‌گویند نه تنها طبق باور برخی از مردان، چیزی از شخصیت و مردانگی ایشان کم نمی‌کند که اثبات می‌کند مردانگی به نداشتن احساسات عاطفی و بیان نکردن جملات عاشقانه نیست. اما امام (ره) نه تنها در سخن که طبق گفته بانویشان، خدیجه خانم در عمل نیز بسیار عاشق‌پیشه و حمایتگر بودند.

در خاطراتی که از نوه امام درباره رابطه امام (ره) و همسرشان نقل شده می‌خوانیم که هیچ‌وقت امام یک کلام به خانم بی‌احترامی نکردند و در طول زندگی ۷۰ ساله آنها هیچ‌گاه امام (ره) با صدای بلند با ایشان صحبت نکردند. در جایی از این خاطرات آمده که اواخر حیات امام (ره)، خانم به حضرت عبدالعظیم برای زیارت رفته بودند و دیر شده بود. در حالی که آقا معمولا ساعت ۲ بعد از ظهر ناهار

حجت الاسلام منصور باقرییک از تأثیر مهربانی و همدلی می گوید

حدیث کساء الگوی محبت در خانواده هاست

حجت الاسلام منصور باقرییک، مدیرکل تبلیغات اسلامی سیستان و بلوچستان و مشاور خانواده از مشاوران اسلامی برجسته حوزه خانواده، ید طولایی در مباحث پیرامون خانه و خانواده دارد. او سال هاست مطالعاتی جدی درباره اهمیت خانواده در اسلام را پیگیری می کند و فعالیت های فرهنگی با گستره وسیعی در راستای حفظ و اعتلای بنیان خانواده در کارنامه کاری خود دارد. باقرییک که دبیری قرارگاه فرهنگی استان سیستان و بلوچستان را به عهده دارد، در گفت و گویی با چار دیواری تأکید می کند، محبت نه تنها در نوع انسان بلکه در حیوانات و جانوران نیز وجود دارد.

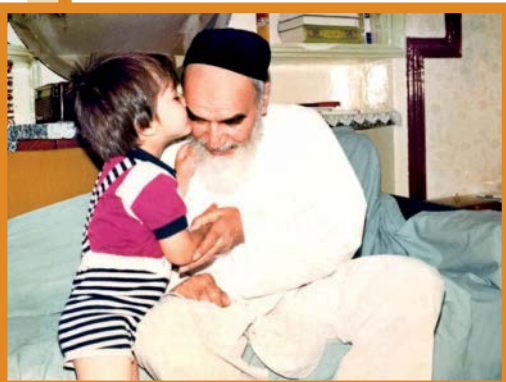
او برای تأیید صحبت هایش از صحنه هایی که هر کدام از ما بارها در فضای مجازی یا تلویزیون دیده ایم، می گوید. از جمله فداکاری حیوانات برای فرزندان شان در موقعیت های بحرانی یا حمله نکردن حیوانات وحشی به طعمه هایی که باردار هستند گفته اما تأکید می کند محبت کلامی و ویژگی منحصر به فرد انسان است که باید از ظرفیت آن نهایت بهره را برد.

عشق و محبت در قالب کلمات بین زوج ها اتفاقی ضروری است که تأثیر آن ماندگار است. این کلام من نیست بلکه کلام رسول... است. پیامبر می فرماید: «اگر شوهری به همسرش بگوید، عزیزم من دوست دارم این جمله هرگز از یاد همسر پاک نمی شود.» در بسیاری از خانواده ها مردان زحمت معیشت خانه را به دوش می کشند و حتی گاهی هدیه ای هم برای همسرشان تهیه می کنند اما مهارتی در مهر و محبت کلامی ندارند. این نقطه ضعف بزرگی است که در برخی موارد باعث نابودی خانواده ها یا سرد شدن روابط می شود.

تأثیرات محبت کلامی در خانواده

او ادامه می دهد: از سویی دیگر برخی از آقایان معتقدند جلوه محبت فقط در عمل بروز و ظهور می کند که این اشتباه است. در مقابل برخی از زنان هم از محبت کلامی طفره می روند. هر دو گروه اعتقاد دارند ابراز عشق و محبت توقع همسران شان را بالا می برد. خانم ها می گویند مردان تمایلی به شنیدن قربان صدقه ندارند و آقایان هم ادعا می کنند خانم ها بعد از دریافت محبت توقع هایشان بالا می رود اما این باورها کاملاً اشتباه است. در خانواده هم محبت زبانی و هم محبت غیرزبانی مهم است.

مدیرکل تبلیغات اسلامی سیستان و بلوچستان تصریح کرد: علاوه بر محبت در خانه و خانواده در روایات داریم اگر کسی را دوست دارید به زبان بیاورید و محبت و صدق و مهر خود را ابراز کنید. کلام نیکو و با محبت همیشه کارگشاست. حتی اگر قرار است از مشکلی صحبت کنیم یا از موقعیت و فردی انتقاد کنیم، آغشته کردن کلام با محبت و مهر تأثیرگذارتر و کارآمدتر خواهد بود.



حجت الاسلام باقرییک در ابتدای صحبت هایش با اشاره به این که دین اسلام در همه ادوار به عنوان دین مهر و محبت و سرمنشأ مهرورزی شناخته می شود، بیان می کند: در آیات قرآن از اخلاق رسول اکرم (ص) به عنوان «خلق عظیم» یاد می شود. پیامبر به دلیل وجود همین خلق عظیم از سوی خداوند «رحمه للعالمین» لقب گرفتند. بر همین اساس کافی است نگاهی به حدیث کساء که خواندن آن بسیار سفارش شده است، داشته باشیم. این دعا الگویی از زندگی ائمه در باب چگونگی رفتار با اعضای خانواده را ترسیم می کند.

او ادامه می دهد: در این دعا شاهد هستیم زمانی که پیامبر «خاتم النبیین» وارد خانه می شدند با چه کلمات زیبایی به دخترشان فاطمه (س) سلام می کردند و در مقابل با چه پاسخ زیبایی از سوی فاطمه روبه رو می شدند که می فرمودند: سلام پدر جان. یا زمانی که امام حسن (ع) با جمله «سلام مادر جان» به مادرش سلام می کرد و فاطمه با شور و حرارت به او پاسخ می داد: «سلام پسرکم. سلام نورچشمم. سلام میوه دلم» یا آنجا که علی (ع) با عشق و محبت به همسرش سلام می کرد و جواب پرمهری هم دریافت می کرد.

نگاه ائمه اطهار به خانواده

او با تأکید بر الگوبرداری از اسلام و زندگی پربار ائمه اطهار برای تحکیم بنیان خانواده می افزاید: محبت زبانی باید میان همه اعضای خانواده جاری و ساری باشد. متأسفانه این امر امروز مورد غفلت قرار گرفته است و روابط خانوادگی را تا مرز دلسردی می برد. اگر اعضای خانواده در خانه یکدیگر را از کلام محبت آمیز سیراب کنند، دیگر هیچ کس در کوچه و بزرز فریب افراد شیاد را که به دنبال هوای نفسانی خود هستند، نمی خورد. برای مثال یکدیگر را با مهربانی و با عناوینی مانند خانم، آقا، جانم یا عزیزم خطاب کنید. در این مورد باید توجه ویژه ای به دختران و پسران جوان خانواده داشت که بیشتر در معرض خطر هستند. اگر فرزند عشقی از خانواده دریافت نکند از خانه فراری می شود. فراری نه به این معنا که از خانه فرار کند و برود بلکه تمایل و خواستی برای گذران وقت در خانه و در کنار خانواده ندارد و سعی می کند بیشتر زمان خود را در خارج از خانه و با دیگران بگذراند.

این مشاور امور خانه و خانواده با مهم برشمردن محبت کلامی بین زن و شوهر ادامه داد: رد و بدل کردن



روشنایی به اسم محبت

■ مهربانی و محبت، این دو واژه کوتاه و پر از حرف از آن مواردی اند که عمری به اندازه خلقت عالم دارند. حالا این واژه ها به عنوان جزئی جدا نشدنی از زندگی، لزوم وجودشان بیشتر از همیشه حس می شود، داستانی که به خصوص در خانواده برای خودش جایگاهی دارد. این جایگاه آن قدر مهم است که پیامبر اسلام (ص) و بزرگان دین هم با تأکید و ترویج آن اهمیتش را بیش از پیش برایمان بازگو کرده اند. در ادامه چند نمونه از انعکاس این مهر را در رفتار بزرگان با هم مرور کرده ایم.

■ اگرچه خوش خلقی در هر جا و هر زمانی مورد ستایش و از سفارش های حضرت رسول (ص) است اما رفتار نیکو در خانه و خوش رفتاری با اعضای خانواده سفارش ویژه پیامبر اکرم (ص) بوده، به طوری که یکی از شاخص های افراد نیک، برخورد مناسب و نیکو با خانواده است. آن حضرت در روایتی فرمودند: بهترین مردم از نظر ایمان، کسی است که دارای نیکوترین اخلاق باشد و لطیف ترین رفتار را با خانواده اش داشته باشد و من لطیف ترین شما نسبت به خانواده ام هستم (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶، ص ۳۸۷).

■ در روایت دیگری، به نقل از عایشه، همسر پیامبر (ص) آمده است: کسی خوش خلق تر از پیامبر (ص) نبود. هیچ کس از اصحاب و خانواده اش او را صدا نمی کرد، مگر این که آن حضرت مهربانانه پاسخ می گفت (اصبغی، ۱۹۹۸ م، ج ۱، ص ۱۳۷).

اگر خواستید فرش بخريد، اين طرح‌ها را يادتان باشد

هر گره، يك ايران

ترنج در وسط قالی و لچک‌ها رايج شد. همچنين صادرات فرش ايراني در زمان فتحعلي شاه و بعد از آن به دست ناصرالدین شاه وسعت گرفت و ايران را تبديل به بزرگ‌ترين صادر کننده فرش دستبافت کرد. بيستم خرداد روز ملی فرش ايراني است، به همين مناسبت رفته‌ايم سراغ زيباي هميشگي و سه مورد از معروف‌ترين نقشه‌هاي آن را با هم مرور مي‌کنيم. تا اين بار که رفته‌ايم فرش بخريم، نسبت به آنها شناخت بيشتري داشته باشيم. البته همين اول کاري مي‌گوييم صد حيف براي معرفي همه نقشه‌ها و طرح‌هاي فرش ايراني، همه صفحات چارديواري هم کم است! براي همين هم رفته‌ايم سراغ طرح‌هاي که هم شکل و شمایل مدرن دارند و هم کمتر ديده شده‌اند.

پشت هر گره يك ايران است. آن قدر که هر جای دنيا ببيني، مي‌تواني بفهمي از وطن تو و هموطن توست. بيستم خرداد روز فرش ايراني است. زيبا، اصيل و باوقارترين فرش جهان که هيچ کدام از انواع مدرن آن که حالا هم در فرش فروشي‌ها جولان مي‌دهند، هنوز نتوانسته‌اند، جای آن را بگيرند. آغاز بافت فرش کلاسيک ايراني به سلسله صفويه بازمي‌گردد و در شهرهاي نظير تبريز، راور، اصفهان، کاشان، مشهد، کرمان، جوشقان، يزدا، استرآباد، هرات، شيروان، قره باغ و گيلان توسعه پيدا کرد و در همين زمان استفاده از طرح‌هاي

مريم آذرباد

کارشناس هنري



فرش بختياري: گونه‌اي قالي ايراني است که در خطه چهارمحال و بختياري بافت و توليد مي‌شده است. در همه شهر و روستاهای اين استان فرش بافی رايج است اين کار از ديرباز به صورت سنتي انجام مي‌شده و بيشتري توسط زنان و دختران در خانه انجام مي‌شود. فرش بختياري از دير باز به خاطر نقش، رنگ و همچنين دوام بالا از محبوبيت خاصي برخوردار بوده است. استان چهارمحال و بختياري به علت شرايط جغرافيايي خاص خود و قرار گرفتن در منطقه‌اي

کوهستاني و سردسير، همواره از شرايط مساعدی برای توليد فرش دستبافت برخوردار بوده است و توليد فرش نسبت به ساير صنايع دستی از اهميت بيشتري برخوردار است و قالي عمده‌ترين صنعت دستی استان چهارمحال و بختياري است که در درجه اول در روستاها، بعد در بين عشايير اسکان يافته و دست آخر در شهرها رواج کامل دارد. قالي از وسايل لوکس زندگي عشايير محسوب مي‌شود و نشانگر منزلت و تفاخر آنهاست.



فرش فارس: هنر و صنعت بافندگي فارس در وهله نخست، هنري عشاييري و در وهله دوم هنري روستايي است که وابستگي به عشايير دارد. عشايير فارس بويژه قشقايي‌ها و ايل خمسه بيشت از ديگر عشايير به اين هنر اشتغال دارند و روستاييان که در مسير اين ايل‌ها زندگي مي‌کنند نيز به کار توليد فرش فارس و ساير دستبافت‌ها مبادرت مي‌کنند. طرح‌هاي آنها دارای رنگ آميزي و طراوت خاصي است. البته در سال‌هاي اخير بافندگان عشاييري به بافتن فرش براي فروش و به سلبقه مصرف کنندگان روي آورده‌اند. ليکن غالبا همان ذهني بافي و رنگ‌هاي مرسوم پيشينيان خود را ادامه مي‌دهند.

فرش‌هاي قشقايي معمولاً به طريق «ذهني بافي» بافته مي‌شود. اين نقشه‌هاي ذهني نوعي بازآفريني سنتي است که از نسل‌هاي پيشين به امروزيان رسيده است. بافندگان ايلي همان نقوش را تکرار مي‌کنند بدون آن‌که از نقشه استفاده کنند. از اين رو معمولاً هيچ دو فرشي کاملاً و عينا شبیه يکديگر نيست. بافندگان تازه‌کار از سرمشق‌هايي کمک مي‌گيرند که «حور» ناميده مي‌شود.

فرش هريس: گونه‌اي قالي ايراني و آذربايجان از صنايع دستی همين خطه است که امروزه و در گذشته توليد مي‌شده است. فرش هريس اثر خطوط شکسته و رنگ و طرح فرش هريس، حکايتي ايست از وراي درخشش صدها نقش و نگار چشم نواز، که بي‌تابانه حکايت عشق را در محراب هنر نجوا مي‌کند، و هريس آذربايجان، اين گهواره قالي بافي، که در هر گوشه از آن، دل عاشق طراحي يا سرانگشتان بافنده‌اي سبب آفرينش هنر رزين مي‌شود که چشم و دل هر بيننده‌اي را ارضا و عاشق خود مي‌کند اين منطقه که در قرن ۱۳ به فرش بافي روي آورد، قالي‌هاي بسيار با کيفيت با بهره‌گيري از مجرب‌ترين قاليبا فنان که اکثر آنها رازنهای روستايي تشکيل مي‌دادند، توليد کرد. در فرش هريس از رنگ‌هاي طبيعي و گياهي با رنگريزي سنتي استفاده مي‌شود و پشم‌هاي مرغوب در اين نوع فرش از گوسفندان محلي به جهت چله کشي استفاده شده است. رنگ قالي‌هاي هريس به دليل بافت منطقه در گذشته تيره بوده است مانند: سرمه‌اي تيره، قرمز روناسي، لاکي، قهوه‌اي سير، سبز تيره، مسي و ... نقشه فرش هريس از خطوط هندسي و خطوط افقي و عمودي شکسته بهره مي‌برد که عده‌اي بر اين باورند اين طرح از مناطق کوهستاني در هريس الهام گرفته است، عده ديکري مي‌گويند اين طرح به صورت تصادفي به وجود آمده است.



همه دقت‌هاي لازم براي خريديک فرش خوب

چطور فرش ايراني بخرم؟

■ شناسايي فرش ايراني بسته به نوع گره، نوع نخ‌هاي به کار رفته در بافت، نوع رنگ آميزي نخ‌ها، نحوه چله کشي، نوع طرح، نقش و نهايتاً نوع بافت گلليم، فرش و دور فرش بستگي دارد. توجه به هريک از اين موارد مي‌تواند گام‌هاي درستي را در پي خريد فرش ايراني برداشته و اصالت را به خانه‌هاي شما هديه دهد.

■ فرش‌هاي ايراني دارای گره‌هاي با انواع مختلف بوده که با بررسي هريک از آنها مي‌توان تشخيص داد که اين فرش دستبافت متعلق به کدام يک از مناطق ايران است و نزد هنرمندان کدام خطه بافته شده است. توجه به نوع گره مي‌تواند تا حد زيادي شما را از اصيل بودن فرش ايراني مطمئن سازد. فرش‌هاي دستبافت ايراني در قياس با فرش‌هاي ماشيني يا فرش‌هاي بافته شده توسط بافندگان خارجي که اصيل نيستند، از گره‌هاي محکم‌تر و بر خوردار بوده و در عين حال ظرافت خاصي دارد.

■ طرح‌هاي قالي ايراني در همه جای جهان شناخته شده بوده و مورد استفاده بسياري از بافندگان سراسر جهان است. اين طرح‌ها به دليل ظرافت و زيبايي موجود، بسيار دل انگيز است و در بسياري از فرش‌ها ملاک ارزشمندی قرار مي‌گيرد. طرح‌هاي زيادي در بافت فرش‌هاي ايراني استفاده مي‌شود که هر کدام از آنها زيبايي خاص خود را دارند. طرح شاه عباسي، طرح آثار باستاني و ابنيه اسلامي که ملهم از نقوش و اشکال تزئيني بناها است، طرح اسليمي، طرح افشان، طرح بته جقه‌اي، طرح واگيره‌اي، طرح درختي، طرح ترکمن، طرح شکارگاهي، طرح گل فرنگ، طرح قايي، طرح گلداني، طرح ماهي درهم، طرح محرابي، طرح محرمات، طرح هندسي، طرح ايلي و عشاييري، طرح تلفيقي و طرح اقتباسي از جمله طرح‌هايي است که براي بافت فرش‌هاي اصيل ايراني به کار مي‌رود.

■ يکي از مهم‌ترين روش‌هايي که مي‌توان براي تشخيص فرش ايراني به کاربرد، توجه به نوع الياف به کار رفته در بافت فرش است. ايران به دليل داشتن زمين‌هاي سبز و حاصلخيز، هميشه دارای تعداد قابل توجهي دام بوده که از آنها براي امور مختلف استفاده مي‌کردند. يکي از موارد، استفاده از پشم دام‌ها براي بافت باکيفيت‌ترين قالي‌هاي جهان است. بافندگان هنرمند ايراني همواره از پشم گوسفندان و ابريشم براي بافت قالي‌هاي نفيس بهره برده و با کم‌ترين امکانات، شاهکارترين فرش‌ها را خلق مي‌کنند.

برگ سبز سند کمپاني و بيمه خودرو سواري
سيتروئن زانتيا سوپر لوکس مدل ۱۳۸۲
به رنگ نقره‌اي متاليک شماره انتظامي
ايران ۱۴-۷۶۳ ج ۲۶ شماره موتور ۲۰۰۶۶۰۲
شماره شاسي ۵۹۱۱۲۲۸۲۱۱۰۵۹۱ به نام بهنام
حيدري مفقود گرديده و فاقد اعتبار است.

بهترين کود ارگانیک کيوتر

از قديم تا به حال

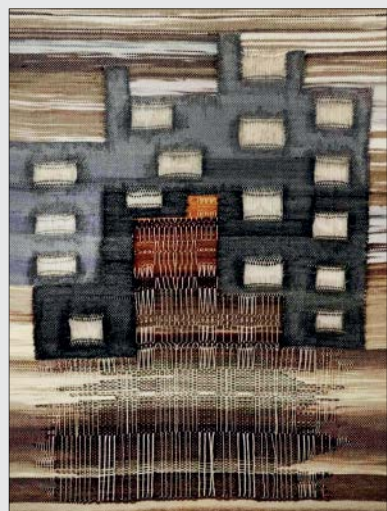
۰۹۱۲-۰۲۶۲۸۸۱

۰۹۱۲-۰۲۰۱۶۳۳۳



نگاهی به درآمدزایی از طریق پارچه بافی در گفت و گو با افسانه مدیرامانی

خاطره های کودکی، شغل بزرگسالی



در آخر هم صحبت از ورود علاقه مندان به این حوزه شد، افرادی که خیلی از آنها از جوانان مستعد این عرصه اند و به فکر درآمدزایی از طریق این ماجرا هستند. مدیرامانی درباره این موضوع هم بیان کرد: «باید عرصه برای جوانانی که می آیند باز گذاشته شود. قاعدتا افرادی که کارخانه دار هستند، اصولا در ذهنشان ایده ها و تجربه هایی از بازار دارند؛ به همین دلیل زمانی که طراحان سراغ شان می روند، با چند جلسه گفت و گو و نمونه کار دیدن، متوجه می شوند که می توانند این همکاری را شکل دهند یا خیر؟ در این بین شما یک اعتماد اولیه می کنید اما نمی توانید انتظار داشته باشید در مدت خیلی کوتاهی آن شخص به شما کامل اعتماد کند. اتفاقی که حتی اگر خودتان هم سرمایه گذار باشید، به همین ترتیب است و طبیعتا محتاط تر برخورد می کنید. در این فضا زمانی که راه برای ورود طراحان جوان تر باز گذاشته می شود، آن آدم هم باید آنقدر تلاش کند که پاسخ این اعتماد را بدهد.»

صرف فاصله گرفته و با طراحی هایش حس و حال دیگری به دنیای نخ های رنگارنگ داده است. شکل دادن این طراحی ها و فضایی که باعث می شود در نهایت آن اثر کاربردی یا هنری باشد، از موضوعاتی بود که او درباره اش گفت: «کار اصلی من طراحی و بافت پارچه است و در کنار آن طراحی فرش هم کار می کنم. به طور کلی در این فضا پارچه که بافته می شود، آن کاربردی که ما به آن می هیم، به کار معنا می دهد، مثل هر هنر کاربردی و هر فضای دیگری که در آن اثری خلق یا تولید می شود. شما می توانید یک ظرف بسازی و به عنوان لیوان یا کاسه از آن استفاده کنی؛ ولی اگر روی آن پوشیده شود، اثر نهایی تنها یک جسم و هنر تزئینی می شود. در واقع این ما هستیم که متناسب با هر ایده ای، کاربرد آن اثر را مشخص با توجه به ویژگی هایی که دارد، مشخص می کنیم.» او افزود: «ذات کاری که من می کنم، پارچه است و در نهایت محصولی که از پارچه تولید می شود و بر مبنای کاربردی که دارد، معنا پیدا می کند. حالا یک سری از بافته های من ممکن است شال باشد یا گاهی پارچه های بلند و طولانی که به عنوان ملزومات لباس مورد استفاده قرار بگیرد؛ ولی طرحی که روی آن اجرا می شود، تکرار به شیوه معمول نیست. ما در طراحی پارچه یک طرح را در طول کار تکرار می کنیم اما من در شال ها این تکرار را می شکم در نتیجه آن شال ها هم حالت هنری و تجسمی دارند اما در مصرف می توانند شال باشند.»

خورد، در گپی که زدیم، بیان کرد: «مثل خیلی ها که می گویند من از بچگی با فلان هنر همراه بودم، من هم باید بگویم از زمانی که به یاد دارم، همیشه نقاشی می کردم از همان زمان به طرح لباس ها خیلی علاقه داشتم و آنها را ریز به ریز می کشیدم، از طرفی در خانه ما همیشه از هنرهای دستی چه در پوشش و چه در دکور استفاده می شد. من یادم است ما همیشه از آن جلیقه های دست دوزی را که برای مشهد بود، می پوشیدیم؛ لباس هایی که از جنس پشم و قلاب بافی بود. در کل این علاقه خیلی در خانواده من زیاد بود. مثلا خاله من به صورت حرفه ای قلاب بافی می کرد. او به مادرم یاد داد و من هم بعد یاد گرفتم. در واقع از همان کودکی با بافت آشنا شده بودم به همین دلیل نمی توانم بگویم از کجا شروع شد و همه اینها مجموعه ای است که به عوامل مختلفی برمی گردد. در ادامه وقتی رشته هنرهای دستی قبول شدم، خیلی تعجب کردم اما آن را ادامه دادم و از وقتی پارچه بافی را یاد گرفتم، دیگر نتوانستم نبافم. آن موقع خیلی دستگاه پارچه بافی نبود و دستگاه قدیمی را پیدا کردم و از همان سال ها شروع به کار کردم و این عشق را تا امروز ادامه دادم.»

شده محو گل های قالی یا شکوفه ها و بافت چادر رنگی مادر بزرگتان و حتی پارچه های مختلف شوید؟ اصلا به تولد این نقاشی های پارچه ای فکر کرده اید؟ کارهایی که هر طرف می توانید آنها را ببینید و سال هاست خیلی ها را به دنیای خود دعوت کرده اند. امروز به لطف تار و پودها، افراد زیادی شده اند خالق دنیاهای پارچه ای و در کنار خلق هنر، از طریق آن درآمد هم کسب می کنند. پارچه بافی که قدمت چندین و چند ساله دارد، از هنرهایی است که امروز در دانشگاه هم تدریس می شود و در کنار آن خیلی از خانواده ها با یک چرخ پارچه بافی در شهرها و مناطق مختلف از طریق همین فضا روزگار می گذرانند. خلاصه که داستان نخ ها که بعد می شوند تار و پود و نقش و رنگ، از آن ماجراهای قدیمی است که امروز به عنوان یک هنر ویژه به آن نگاه می شود. افسانه مدیرامانی، یکی از هنرمندان این حوزه است که بیشتر از ۳۰ سال است به این تار و پودها زندگی می دهد. او درباره این که اصلا چه شد زندگی اش با این داستان گره

فاطمه شه دوست
روزنامه نگار



جدول

توضیح برای رمز جدول:

پس از حل کامل جدول از پشت سرهم قرار دادن حروف خانه هایی که با عدد مشخص شده اند رمز جدول به دست می آید.
تعداد حروف رمز جدول در هر شماره می تواند متغیر باشد.

طراح: بیژن گورانی

ضرب المثل دلسوزی بی جا	مربوط به سیاست هیدرو تراپی	زیانه آتش ترسانک جالیز	نفس بلند اثر شاتوبریان	شکر گزار هر فصل کتاب	بی نیازی دیوار بلند	فته جو ادا و اطوار	مقتدا از گناهان کبیره	عشق بیگانه فارس باستان	نخ تابیده
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
مقوله پاکی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
سروری جام جهان نما	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خلق و خو نوعی گلابی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تایب السلطنه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

رمز جدول شماره قبل:

سنگ نوردی

خانواده فرهنگی

سه شنبه ها با موری

نویسنده: موری شوارتز

داستان درباره رابطه استاد و شاگردی است که بعد از سال ها دوباره در کنار هم قرار گرفتند؛ درست در زمانی که استاد پیر آخرین روزهای عمرش را سپری می کند و شاگرد برای عمل به قولی که سال ها

فراموش کرده بود، به دیدارش می رود و در این میان برای سوال هایی که در ذهنش دارد هر سه شنبه کلاسی را تشکیل می دهد که شاگردانش نه فقط خود نویسنده بلکه تمامی مخاطبان و خوانندگان این کتاب هستند.

عیار

شبکه: افق

اقتصاد از موضوعاتی است که زندگی روزانه ما با آن گره خورده است و هرکسی تحلیل های خودش را نسبت به آن دارد. از کارشناس اقتصادی بگیرد تا رانندگان تاکسی! «عیار» برنامه تلویزیونی است که در بخش های مختلفی چون «خبرنامه» و «محک بازار» با حضور کارشناسان، تحلیلگران و مسؤولان اقتصادی به بررسی مسائل می پردازد. «عیار» سه شنبه شب ها ساعت ۲۲ به صورت زنده از شبکه افق سیما پخش می شود و بازپخش آن هم ساعت ۳ و ۱۴ دقیقه روز بعد است.



دوشنبه ها با یک شکمو

این داستان: پاستای گوجه فرنگی

چی می خوریم؟

پاستای آشیانه ای: شش عدد (از

یک بسته)

گوجه گیلاسی: یک بسته کوچک

سیر: سه حبه

پیاز: دو عدد متوسط

شیر: دو لیوان

خامه: شش قاشق غذاخوری

فلفل، نمک و آویشن: به مقدار

لازم

رب گوجه فرنگی: دو قاشق

روغن: به مقدار لازم

جعفری: ۲۰۰ گرم

پنیر موزارلا: ۱۰۰ گرم

اقدامات اولیه

■ نصف کردن

گوجه گیلاسی ها

■ خرد کردن

جعفری (چند پر

نگه دارید برای

تزئین)

■ شیر و خامه را

هم از چند ساعت

قبل بگذارید بیرون

که با محیط هم دما

شود

چه جوری بپزیم؟

سه عدد سیر را رنده کنیم و تفت دهیم. پیازها را نگینی خرد کنیم و به آن اضافه کنیم. رب و ادویه ها را اضافه می کنیم و تفت می دهیم تا خامی اش از بین برود. بعد خامه را اضافه می کنیم و هم می زنیم. بعد هم شیر را. کمی که جوشید، گوجه گیلاسی ها را اضافه می کنیم. بعد پاستا و جعفری خرد شده را. یک ربع بعد غذا آماده است. قبل از این که مشغول خوردن شوید، پنیر را روی پاستاها بریزید و هم بزنید. اگر هم مثل نگارنده این دستور آشپزی شکموی با حوصله ای هستید، با خامه و همان چند پر جعفری که نگه داشته اید، تزئینش کنید.



بیست و هشت سال است من دنیا را آزموده ام و از وقتی که آن طور که باید قدر خودش را بداند و وجود خودش را دوست داشته باشد. خوب و بد را از هم تمییز می دهم، یک نفر در این دنیا ندیده ام



سند کمپانی و برگ سبز موتور بهتاز مدل ۱۳۸۹ به رنگ قرمز شماره انتظامی ۹۵۶۲۵-۶۱۸ شماره موتور ۵۷۰۲۲۱۷۶ شماره شاسی NCR***125B8986619 به نام امیر حسین رضائی بوزائی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب لیلا محمدی فرزند عین اله به شماره شناسنامه ۶۰۴۷ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته علوم اجتماعی صادره از واحد دانشگاهی قیام دشت (تهران شرق) با شماره ۱۲۳۵۲۱۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قیام دشت (تهران شرق) به نشانی: تهران، سه راه افسریه، بزرگراه امام رضا (ع)، کیلومتر ۱۸، انتهای خیابان شهید باهنر تهران شرق ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت دلتا 125CC مدل ۱۳۸۱ به رنگ آبی شماره انتظامی ایران ۶۲۲-۲۶۷۷۹ شماره موتور ۱۰۳۳۴۱ شماره شاسی ۸۱۰۱۴۵۹۲ به نام هورداد عظیمی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

دفترچه قرارداد و آگذاری شرکت عمران شهر جدید بهارستان به شماره دبیرخانه ۰۱۴۹۷۰ و تاریخ دبیرخانه ۱۳۸۱/۱۱/۲۹ او ردیف رایانه ۲۱۰۸ و شماره متقاضی ۴۸۲۴ متعلق به اینجانب کاظم موسوی مرتضوی فرزند محمد تقی با کد ملی ۴۲۶۸۸۲۲۱۴۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز پژو ۲۰۶، مدل ۹۷، به رنگ سفید، شماره موتور 167B0038812 شماره شاسی NAAp41FE7JJ578757 به نام رحیم شیرزاد کوره جانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و سند مالکیت و کلیه مدارک خودرو سواری تویوتا کارینا به رنگ آبی روغنی مدل ۱۹۷۹ شماره موتور 23566312 شماره شاسی 640355323 به شماره پلاک ۴۴۵ م ۲۶ ایران ۵۶ به نام حبیب آقا رستگاری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس XU7 دو گانه سوز مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید- روغنی به شماره پلاک ۸۸۱ م ۸۴ ایران ۴۵ و شماره موتور 124K0111705 و شماره شاسی NAAN21CA2DK161761 به نام عصمت سبزی زاده یزدی با کد ملی ۳۰۷۱۷۲۳۳۳۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز موتور سیکلت پالس، تیپ 180 i DTS به رنگ خاکستری-مدادی مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور 02997 و شماره شاسی NEO***180A8611400 و شماره پلاک ۱۱۹ ایران ۸۶۹۲۱ اینجانب محمدرضا اسمعیل زاده نوده فرزند غفار مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه

بدینوسیله به اطلاع سهامداران محترم شرکت آریا طب ورامین (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۸۱۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۳۹۹۹ می رساند جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۶ در محل قانونی شرکت تشکیل خواهد شد. دستور کار جلسه عبارت است از:

- ۱) استماع گزارش هیات مدیره و بازرس قانونی شرکت
- ۲) بررسی و تصویب ترازنامه و سود و زیان سال مالی ۱۴۰۰
- ۳) انتخاب اعضای هیات مدیره
- ۴) انتخاب بازرسان
- ۵) اتخاذ تصمیم در خصوص سایر موارد که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می باشد.

هیات مدیره شرکت آریا طب ورامین

ابطال قرارداد پیش فروش ۵ برکه

با عنایت به صدور دادنامه یا شماره نامه ۱۴۰۱/۰۳/۳۸ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ شعبه اجرای احکام مدنی و دستور قاضی مبنی بر رد مال و انتقال یک واحد مسکن مهر واقع در فاز ۵ پروژه توسعه و شهرسازی به نام (متقاضی نفر اول) حمید پاژکی در حق خانم / آقا حمید پاژکی که نامه دادگاه به شماره ۱/۱۶۶۲۴ و مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۸ در دبیرخانه شرکت عمران شهر جدید پردیس ثبت و ابلاغ گردیده است. اصل قرارداد پیش فروش متقاضی نفر اول به شماره 139B0269976 به نام مهدی لبافی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شرکت عمران شهر جدید پردیس

سند کمپانی و برگ سبز و کارت سوخت خودرو سواری پراید صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۸۱ به رنگ سفید شیری روغنی شماره انتظامی ایران ۳۱-۱۷۴ س ۲۷ شماره موتور ۰۰۴۲۵۴۷۷ شماره شاسی 51۴۱۲۲۸۱۸۸۸۴۱۹ به نام محمد صوف مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز پژو پارس TU5 مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید به شماره پلاک ۳۷۸ م ۲۶ ایران ۴۰ شماره شاسی NH865780 شماره موتور 139B0269976 به نام مهدی لبافی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی سواری چری ARRIZO6-CVT مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید روغنی شماره موتور MVME4T15BAKL000812 شماره شاسی NATGCADR1L1000941 به شماره پلاک ایران ۴۶-۹۵۷ م ۲۲ به نام احد امیری اضمحاره مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری ام.وی.ام SQR7201A2F_530 به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۳ شماره موتور MVM484FFFE024102 شماره شاسی NATGCAVF7E1024121 به نام حسن ثابت پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.